

مهاجرستیزان به سید حسن هم رحم نکردند



چند وقتی می‌شود که مسئله ساماندهی مهاجران افغانستانی به یکی از مهم‌ترین مسائل در فضای داخلی ایران تبدیل شده است. یک سمت این ماجرا افرادی قرار دارند که معتقدند نباید با این موضوع صفر و صدی برخورد کرد، اگرچه اتباع غیرقانونی باید اخراج شوند اما باید تفکیکی میان مهاجران قانونی افغانستانی با آنها قائل شد. در سمت دیگر اما برخی اظهارنظرها و صحبت‌هایی مطرح می‌شود که بیش از آنکه نگران ساماندهی مهاجران افغانستانی باشند، بیشتر برمدار مهاجرستیزی حرکت می‌کنند. مواضع تند و رادیکال آنها به اسم وطن پرستی، به فطری سازی جامعه منجر می‌شود و آن را مستعد آشوب می‌کند. اگرچه مسئله مهاجران افغانستانی و اینکه اساساً برای مقابله با آن چه باید کرد بیشتر از دوده است برای نظام حکمرانی مسئله است اما بعد از روی کارآمدن طالبان و افزایش میزان مهاجران غیرقانونی، این موضوع حالا در صدر توجه نظام حکمرانی قرار گرفته است. با این حال اما هرازچندگاهی ادعاها و اظهارنظرهایی در برخی رسانه‌ها مطرح می‌شود که تکمیل‌کننده پازل مهاجرستیزان و حرکت به سمت فطری کردن جامعه در قبال مهاجران افغانستانی است.

حمله یک رسانه به نقد سید حسن خمینی از تبلیغات علیه مهاجران

چند روز پیش سید حسن خمینی، سرپرست مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دیداری با اعضا و مسئولان شورای هماهنگی هیئت‌های مذهبی مهاجران افغانستانی داشت. در بخشی از صحبت‌های خود به تبلیغاتی که علیه مهاجران به راه افتاده اشاره کرد و گفت: «تبلیغات بی‌دلیلی علیه مهاجران شکل گرفته است و شاید برگزاری این جلسه در این شرایط، عمدتاً برای این بود که بگویم این تبلیغات دروغین است. نقش برادران ما در افغانستان و به خصوص شیعیان افغانستان در طول سال‌های بعد از انقلاب برای مردم ایران نه تنها مخرب نبوده، که بسیار مولد و مثبت بوده است.» سید حسن خمینی در ادامه هم به نقش شیعیان افغانستانی در ادوار مختلف انقلاب، مثل حضور در لشکر فاطمینو نیز اشاره کرد. پس از این اما یادداشتی در یکی از رسانه‌های رسمی کشور که پیش از این نیز موضع‌گیری‌هایی در مورد مهاجران افغانستانی داشت منتشر شد که مستقیماً به سید حسن خمینی و این اظهارات او تاخت. این رسانه در بخشی از یادداشتی که منتشر کرده، سید حسن خمینی را به حمایت جانبدارانه از مهاجران افغانستانی محکوم کرد و نوشت: «خواص، از انگیزه شما برای حمایت از جماعت موردنظران جهت گرم کردن بازاریان اطلاع دارند، کاری نکنید که جزئیات آن را به اطلاع عموم برسانند. پرونده تشریفاتی ساختن حرم امام ساد زبست، جهت درس گرفتن از روزگار برای شما کافی نیست؟!»

پروژه اصلی همچنان قطبی کردن جامعه ایرانی این بار با مهاجران

تعمیق و تقویت شکاف‌های موجود در جامعه، یکی از پروژه‌های اصلی رسانه‌های فارسی‌زبان در چند سال اخیر است. در این چهارچوب، ساخت دوگانه‌های قومیتی یکی از پروژه‌های اصلی رسانه‌های فارسی‌زبان با کارفرمای چندین‌سیاستی است. خروجی این دوگانه‌سازی‌ها فطری کردن جامعه ایرانی، چندپاره شدن و مستعد‌سازی شدن است. در این چهارچوب، مهاجرستیزی و اختلاف افکنی و نفرت افکنی بین مهاجران افغانستانی و ایرانیان نیز یکی از پروژه‌های اصلی برای قطبی سازی جامعه ایرانی است. اگر نگاهی به محتواهایی که در چند وقت اخیر در رسانه‌های فارسی‌زبان منتشر شدند،

بیندازیم به وضوح می‌توان این امر را مشاهده کرد که کارویژه اصلی آنها این روزها بیش از گذشته، اختلاف افکنی و به طور مشخص مهاجرستیزی است. در این فضا البته تفاوتی میان مهاجران قانونی و غیرقانونی وجود ندارد. پروژه اصلی نفرت افکنی نسبت به مهاجران و تقویت این گسل‌هاست.

توهین ابزار خوبی برای نقد نیست

براین اساس باید توجه داشت که در ماجرای مهاجران، اظهارنظرها و انتقادها باید با در نظر گرفتن کارویژه اصلی رسانه‌های معاند در این موضوع مطرح شود؛ چراکه اگر دقت نظر لازم در مطرح کردن اظهارات در این موضوع صورت نگیرد، بازی در پازل این پروژه است. با این همه به نظر می‌رسد یادداشتی که اخیراً در یکی از روزنامه‌های رسمی کشور مطرح شده، دقت نظر لازم را در مورد ماجرای مهاجران افغانستانی در نظر نگرفته است. این رسانه در یادداشت خود سید حسن خمینی را به خاطر مطرح کردن این موضوع که تبلیغات منفی علیه مهاجران افغانستانی مطرح شده، محکوم به سوگیری در موضوع مهاجران می‌کند، درحالی‌که به نظر نمی‌رسد اظهاراتی که ایشان مطرح کرده غلط باشد. نمی‌توان این موضوع را انکار کرد که تبلیغات منفی و غلطی علیه مهاجران افغانستانی وجود دارد که تقریباً همه مهاجران قانونی و غیرقانونی را هدف قرار می‌دهد. نکته دیگر آنکه می‌توان برای نقد یک نظر و دیدگاه ادله و مصادیق مشخص آورد تا صحبت آن ادعا رد شود. در این میان به دور از اخلاق است که یک رسانه برای نقد نظر و نگاه مطرح شده زبان به تهدید و توهین باز کند. گرفتن نوک پیکان حمله یک رسانه به یک فرد به خاطر اظهارنظری که در جمع شیعیان افغانستانی مطرح شده و گزاره غلطی نیز نبوده، آن هم در شرایطی که کشور بیش از گذشته در سطح سیاسی و جامعه احتیاج به وحدت و وفای دارد، چندان هوشمندانه به نظر نمی‌رسد

و می‌تواند ابزاری را در اختیار رسانه‌های دشمن قرار دهد که باز هم بر طبل دودستگی و اختلاف در جامعه بکوبند.

بین مهاجران قانونی و غیرقانونی تفکیک قائل شوید

در سطح دیگر و در نگاه ویژه به ماجرای مهاجران افغانستانی و مهاجرستیزی، مدیرمسئول این رسانه سابقه روشنی دارد. دیدگاه اصلی او مهاجرستیزی و دامن زدن به این موضوع است که مهاجران افغانستانی، نفوذی‌های طالبان در داخل ایرانند و تهدیدی برای امنیت ایران به حساب می‌آیند و باید اخراج شوند. در نگاه به این موضوع می‌توان دو تقسیم‌بندی داشت. بخشی از مهاجرانی که در داخل ایران زندگی می‌کنند، بیشتر از ۳۰ سال از مهاجرت آنها به ایران می‌گذرد. بسیاری از آنها شیعی مذهبند و در برهه‌های حساسی که ایران آنها را پشت سر گذاشته نیز نقش آفرینی جدی داشتند. برخی از آنها در جنگ ایران و عراق حضور داشتند، بخشی نیز در جنگ سوریه به عنوان فاطمینو در نبرد با داعش حضور داشتند. این عوامل نشان می‌دهد آنها در بیشتر از ۳۰ سال که از زندگی‌شان در ایران می‌گذرد، به طور کامل در جامعه ایرانی هضم شده و بخشی از آن شده‌اند. بخشی دیگر مهاجران افغانستانی را مهاجران غیرقانونی تشکیل می‌دهند که در سال‌های اخیر و بعد از روی کارآمدن طالبان تعداد آنها بیشتر شده است. طبیعی است که در مواجهه با دو بخش از مهاجران باید تفکیک و تقسیم‌بندی داشت و حتی در نقدها و اظهارات علیه مهاجران غیرقانونی این ملاحظات را در نظر گرفت اما در نگاهی به اظهارات مدیرمسئول این رسانه به نظر نمی‌رسد او تفاوتی میان مهاجران قانونی و غیرقانونی قائل شده باشد. او به طور ویژه به مهاجران افغانستانی می‌تازد و از اخراج آنها صحبت می‌کند. پیگیری پروژه مهاجرستیزی یک نتیجه واضح و مشخص دارد و آن هم این است که بالاگرفتن تبلیغات منفی علیه مهاجران افغانستانی و نفوذی خطاب کردن

آنها می‌تواند فضای جامعه را برای تمام مهاجران افغانستانی، حتی آنها که به صورت قانونی در کشور زندگی می‌کنند، سخت کند. امری که منجر می‌شود در هر مکان عمومی دعوا و نزاع میان مردم و مهاجران بالا بگردد و ویدئوهای دعوا و برخورد نامناسب با مهاجران افغانستانی در فضای مجازی بازنشر پیدا کند و جامعه را مستعد آشوب و ناآرامی کند. دمیدن بر پروژه خشونت و نفرت علیه مهاجران افغانستانی، می‌تواند مردم را وارد نزاع غلطی با مهاجران کند. ترس و نگرانی مهاجران افغانستانی قانونی را افزایش دهد و آنها را از انزوا قرار دهد. انتشار اخباری مبنی بر اینکه به برخی از دانش‌آموزان افغانستانی اجازه تحصیل داده نمی‌شود را می‌شود در راستای در انزوا قرار دادن مهاجران افغانستانی قرار داد. در سمت دیگر باید به این موضوع توجه داشت که یکپارچه دیدن مهاجران افغانستانی قانونی و غیرقانونی و تهدید دیدن آنها می‌تواند خود به خود آنها را به مسیری هدایت کند که در تقابل با جامعه ایرانی قرار گیرند و در پروژه دشمن حرکت کنند. در این مسیر جای خالی یک برنامه‌ریزی دقیق و درست و یک کار فرهنگی حساب شده برای جلوگیری از آسیب وارد شدن به مهاجران قانونی و تفکیک میان آنها و مهاجران غیرقانونی احساس می‌شود؛ چراکه بخشی از این مهاجران بیشتر از ۳۰ سال است در ایران زندگی می‌کنند و بیشتر از ۳۰ سال از افغانستان دور بوده‌اند و حالا بیش از آنکه افغانستانی باشند، ایرانی‌اند و باید تفاوتی میان آنها و مهاجران غیرقانونی قائل شد. اما نگاهی به رفتاری که این روزها با مهاجران افغانی می‌شود، نشان می‌دهد سیاست‌گذاری مناسبی در رفتار با مهاجران افغانستانی صورت نگرفته است. تکرار این اتفاقات و ضرب دادن به آن می‌تواند جامعه را در آستانه تقویت یک گسل قرار دهد و به بهانه مهاجرستیزی جامعه را در آستانه آشوب و ناآرامی قرار دهد. آن هم در شرایطی که ایران بیش از گذشته احتیاج به ایجاد احساس وفای و همدلی میان بخش‌های مختلف جامعه دارد.

نظام پزشکی لزوم جمع‌آوری امتیاز برای طبابت در برخی شهرها را برداشت

انحصار طبابت بالاخره شکسته می‌شود؟

روز گذشته اما خبر رسید که معاون درمان وزارت بهداشت، با صدور نامه‌ای خطاب به رئیس نظام پزشکی با صدور پروانه مطب برای آن دسته از پزشکانی که همه تعهدات قانونی خود را به اتمام رسانده‌اند، موافقت کرد. در بخشی از این نامه شروط تأسیس مطب برای پزشکانی که تعهدات قانونی خود را گذرانده‌اند قید شده است که از این پس پزشکان می‌توانند در همه شهرها به جز مراکز استان‌ها و شهرهای دارای دانشگاه‌های علوم پزشکی مطب دایر کنند. پیش از این نامه، برای کلیه شهرهای غیردانشگاهی به امتیاز ۱۸۰ و شهرهای بزرگ نیز ۲۵۰ نیاز داشت. تأسیس مطب برای تمام شهرها امتیاز نیاز بود و اکنون قانون امتیاز ۱۸۰ به طور کل لغو شد. پزشکان جوان معتقدند این اقدام، اقدام مثبتی برای طبابت پزشکان جوان است. پزشکانی که شهر محروم ترنند یا طول طرح‌شان به دلیل فرزندآوری، کم شده است؛ این طرح کمک بزرگی است. پزشکان زنی که به دلیل مادر شدن، نمی‌توانستند از شهرهایشان خارج شوند یا به مناطق محروم بروند، عملاً پس از طرح از طبابت محروم می‌شدند. این اقدام کمک بزرگی به این دسته از پزشکان است. از طرفی دیگر طبابت در شهرهای اطراف تهران مانند شهرقدس، ملارد، ورامین یا شهرهای محروم اطراف تهران برای پزشکان جوان راحت‌تر شده است و حالاً می‌توانند با طبابت در این شهرها حتی امتیاز طبابت در تهران را نیز کسب کنند. همچنین از دیگر ابعاد مثبت این اقدام، حذف انحصار تأسیس مطب است. جوان پزشکان حالا می‌توانند با انگیزه بیشتر در شهرهای کوچک بدون نیاز به امتیاز، طبابت کنند و به دور از رقابت ناسالم ایجاد شده توسط برخی از پزشکان قدیمی‌تر به طبابت بپردازند.

معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی کشور:

هدف دوره جدید نظام پزشکی تسهیل در کسب و کار جوان پزشکان است

رضالاری پور، معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی کشور در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در رابطه با نامه اخیر معاون درمان و موافقت او با پیشنهاد نظام پزشکی می‌گوید: «در طول مدتی که دوره جدید نظام پزشکی مشغول به فعالیت است. از سال ۱۴۰۰ تا به امروز یکی از اهداف آن ایجاد تسهیل برای صدور مجوز کسب و کار در حوزه پزشکی است. از این مجوز در حوزه پزشکی به نام پروانه یاد می‌کنیم. تلاش ما این بود که بتوانیم برای جامعه پزشکی یک درس‌شان تمام شده و تعهدات‌شان را انجام داده‌اند، امکان ارائه خدمت به صورت فعالیت در بخش خصوصی فراهم کنیم. برای این موضوع، از قوانینی که توسط مجلس شورای اسلامی و وزارت اقتصاد برای تسهیل کسب و کار ایجاد شده بود، استفاده کردیم. در سال ۱۴۰۲ با شرایطی، برخی از مدارک و مستندات برای جداسازی پروانه طبابت و مطب ارسال شد تا از طرفی دیگر

نیز صدور پروانه طبابت و مطب تسهیل شود. اما از سوی اعضای شورای عالی نظام پزشکی و کمیسیون‌های مختلف، نسبت به موضوع اعلام شد و آن مدارک پس گرفته شد. لاری پور ادامه می‌دهد: «در دوره‌ای که بنده به عنوان معاونت فنی و نظارت سازمان مشغول به فعالیت شدم، اولین کاری که تصمیم گرفتم انجام شود، در کمیسیون معین شورای عالی این مطلب مطرح شد و اعضای کمیسیون به اتفاق آرا این موضوع را تأیید کردند. آنچه تأیید شد این بود که امتیاز پروانه طبابت، حذف شود. اما در جلسه شورای عالی که بلافاصله پس از این کمیسیون تشکیل شد؛ این موضوع به رأی‌گیری گذاشته شد و حذف امتیاز رأی نیاورد، بلکه با کاهش امتیازات موافقت شد. از طرفی، شورای عالی یک مصوبه داشت؛ اینکه معاون فنی و نظارت و وزارت بهداشت هماهنگی کنند که کاهش امتیازات صورت گیرد. طبیعی بود که با توجه به تغییرات جدید در وزارت بهداشت، این موضوع معنا و مفهوم کاری پیدا نمی‌کرد. اما بنده شروع به پیگیری ما‌جرکردم و طی مذاکره تلفنی و مشورت؛ به این نتیجه رسیدیم که حذف و کاهش امتیازات صورت گیرد. پیش نیاز این موضوع و قوانین مرتبط با معاون درمان مطرح شد و پذیرفته شده که طی پیشنهادی از سوی معاونت فنی و نظارت نظام پزشکی، با هماهنگی رئیس کل سازمان، این موضوع با معاونت درمان وزارت بهداشت مطرح شود.»

پیشنهاد اولیه نظام پزشکی حذف تمام امتیازات برای تأسیس مطب بود

معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی می‌گوید: «معاون درمان پس از پیشنهاد نظام پزشکی، با موضوع موافقت کرد. پیشنهاد اولیه نظام پزشکی لغو امتیاز در کلیه شهرها به جز مراکز استان بود. ولی در نامه معاونت درمان وزارت بهداشت اعلام شد که علاوه بر مراکز استان، شهرهای دانشگاهی هم از لغو امتیاز طبابت مستثنی باشند. اما شهرهایی که در آنها دانشکده علوم پزشکی داریم با کالادانشگاه‌اند داریم، به طور کل امتیاز پروانه مطب حذف می‌شود. پزشک جوانان پس از انجام تعهدات‌شان به هر نوعی، امکان تأسیس مطب دارند. بنابراین موضوعاتی مانند شاخص و یا مسائلی از این قبیل که در اعطای امتیاز مطب دخیل است نیز حذف خواهد شد. نکته دیگری که وجود دارد این است که این کار در راستای تسهیل کسب و کار دیگر به ویژه همکاران جوان پزشکی و دندانپزشک اتفاق افتاده است. همچنین نکته مثبت ماجرا این است، بسیاری از این افراد در منطقه‌ای که مشغول گذراندن طرح یا خدمت یا تحصیلند، امکان این را دارند که پروانه مطب دریافت کنند.»

لاری‌پوری ادامه می‌دهد: «چه بسا پس از دریافت پروانه مطب، حتی جوان پزشکان در همان منطقه نیز ماندگار شوند. این اقدام حتی در راستای

ماندگاری افراد در حوزه ارائه‌دهندگان خدمات سلامت است. به طوری که دسترسی مردم را به ویژه برای پزشکان عمومی و متخصصان ما بسیار تسهیل می‌کند. همچنین فردی وقتی در یک شهری، شروع به فعالیت اقتصادی یا طبابت می‌کند، ممکن است در همان شهر نیز از اجازت کند با تشکیل خانواده دهد. با مردم آن شهر و فرهنگ آن عجين خواهد شد. این نکته و تحلیل ابعاد اجتماعی، تصمیم اتخاذ شده از سوی نظام پزشکی است. نکته دیگر این است که برخی از افراد حتی برای دریافت امتیاز در شهرهای کوچک مجبور بودند پس از طرح‌شان باز هم در شهر محروم خدمت کنند تا در آن شهر امتیاز پروانه مطب اخذ کنند. این امر و شرایط حال‌برای تمام افراد تسهیل شده است. از سوی دیگر، ما دسترسی آسان مردم به پزشکان را از این طریق راحت‌تر کرده‌ایم.»

یک قدم به سمت جلوگیری

از مهاجرت شغلی و جغرافیایی جوان پزشکان

او همچنین تأکید می‌کند: «افراد دیگر لازم نیست در روزگاری اداری امتیاز جمع کنند. با مثلاً قرار نباشد معاونت درمان آنها را تأیید کند. شبکه بهداشت همراهی نکند یا پروانه طبابت را در جای دیگری استفاده کند. تمام این اموری که درست یا نادرست به دلیل این امتیاز جمع کردن، در جریان بود نیز بساطش برچیده خواهد شد. به طور واضح روشن، افراد در شهرهای غیر دانشگاهی و غیر دانشکده‌ای و مراکز استان‌ها، امکان دریافت پروانه مطب دارند.»

لاری‌پور همچنین می‌گوید: «از آثار این کار، خود این وضعیت از مهاجرت شغلی و جغرافیایی پزشکان جلوگیری می‌کند. بسیاری از همکاران ما به دلیل اخذ امتیازات بالا برای پروانه مطب، بسیار تحت فشار بودند. بعضاً از کشور خارج می‌شدند و در کشورهای دیگر طبابت می‌کردند و به نوعی عطای طبابت در کشور را به نقایش می‌بخشیدند. در کنار این ماجرا، موضوعات دیگری نیز در حال پیگیری است. اینکه افراد دیگر ضمن انجام تعهدات لازم برای کشور، همزمان امکان تأسیس مطب خصوصی خودشان را داشته باشند. این امر یکی از راه‌های جلوگیری از مهاجرت شغلی و جغرافیایی و کمک‌کننده به افراد خواهد بود. همچنین بسیاری از همکاران ما سرپا‌زنند، سرباز پزشکان نیز از این مشکلات رنج می‌برند. همچنین برای بانوان متاهل و مادری که مجبور به فعالیتند، در حال پیگیری ایم که امتیاز ویژه‌ای برایشان در نظر گرفته شود. اما آنچه مهم است، علاوه بر نظر رئیس کل نظام پزشکی و معاونت فنی، طبیعتاً نیاز است شورای عالی نظام پزشکی و دیگر معاونت‌های مربوطه همراهی کنند تا بتوان شرایط بهتری برای همکاران جوان مان ایجاد کنیم.»

